

تحلیل اصول اخلاق اجتماعی در جامعه منتظران از دیدگاه صحیفه سجادیه

استاد راهنما: سرکار خانم زهرا محمدی

نویسندگان: کژال نشاطی قصر-فاطمه مرادی

حوزه علمیه خواهران امام خمینی(ره) استان کرمانشاه

چکیده

صحیفه سجادیه متنی کهن از مجموعه متون دعایی است. این کتاب مجموعه‌ای از معارف الهی است که امام سجاد (ع) به علت شرایط سیاسی آن روزگار به زبان دعا بیان فرموده است. در این مقاله می‌کوشیم برخی از اصول اخلاق اجتماعی مندرج در صحیفه سجادیه را بررسی کنیم که مهم‌ترین آنها عبارتاند از: اصول مربوط به اخلاق خانواده، فرو خوردن خشم، صداقت، احترام به انسانیت، تواضع و فروتنی، خوش خلقی، سخاوت و بخشش، رفق و مدارا، وفای به عهد و عزت نفس.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد (ع)، صحیفه سجادیه، اصول اخلاق اجتماعی، دعا‌های اخلاقی.

۱. مقدمه

اخلاق اجتماعی یکی از شاخه‌های اصلی علم اخلاق در عصر حاضر به حساب می‌آید که در آثار مکتوب اسلامی و غربی کمتر بدان پرداخته شده است. شاید بتوان گفت اولین کتابی که در حوزه اسلامی اخلاقیات را به خوبی تقسیم کرده کتاب دستور/الاخلاق فی القرآن اثر عبد‌الدراز است که در سال ۱۹۵۰ منتشر شد و در آن از حوزه‌های مختلف اخلاق از جمله اخلاق فردی، اخلاق خانواده، اخلاق اجتماعی، اخلاق دولتمردان و اخلاق دینی سخن به میان آمده است.

امروزه هم در جوامع اسلامی و هم در جوامع غربی نیاز به اخلاق بیش از پیش احساس می‌شود. در گذشته آدمی از امکانات دنیای مدرن بی‌بهره بود و لذا در صورت سقوط و تباهی، دامنه تأثیرش نسبتاً محدودتر بود؛ اما امکاناتی از قبیل دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، ماهواره‌ها و تکنولوژی پیشرفته سبب شده است تباهی آدمی دامنه‌ای نامحدود بیابد. بدین ترتیب فساد اخلاقی در حوزه فردی محدود نمی‌ماند و به راحتی مرزها را درهم می‌نورد و از حصار خانه‌ها می‌گذرد و هیچ زاویه‌ای را از تأثیرات ویرانگر خود مصون نمی‌گذارد. افزون بر این، با پیشرفت تکنولوژی در عرصه‌های مختلف و شکل‌گیری زمینه‌های گوناگون نیاز به اخلاق خاص در برخی زمینه‌ها جدیتر شده است.

«در انگاره بسیاری از پیروان ادیان الهی، ارتباط استواری میان دین و اخلاق وجود دارد؛ به گونه‌ای که نیازهای اخلاقی خود را عمدتاً از دین برآورده، خود را برای بازیافت یک نظام اخلاقی صحیح و آنچه اخلاقاً درست یا نادرست است، نیازمند بازاندیشی مستقل نمی‌یابند. آنان که با مراجعه به متون دینی و آموزه‌های رهبر دینی خود، در می‌یابند که کارهای خوب کدام و کارهای بد کدام است، نزد ایشان وحی الهی بهترین شیوه برای به دست آوردن یک نظام اخلاقی است.» (شیروانی، ۱۳۸۴، ص ۶۱)

انسان موجودی است اجتماعی، و برای تأمین سعادت و رفاه خود ناگزیر است با دیگران همکاری و همگامی داشته باشد. هر یک از انسانها به حکم آفرینش و زمینه فطری علاقه دارند که آزاد باشند، حال آنکه این امر به طور مطلق با خواست و روش جامعه سازگار نیست. برخی افراد هم در متن جامعه خواهان زندگی حیوانی هستند و خود را به فضائل اخلاقی و ملکات نفسانی نیازاسته اند. گذشته ازاین انسانها دارای گزینه استخدام هستند و دائماً در حال

اختلافاند.^۱

بنابراین، لازم است در اجتماع ضابطه و معیاری وجود داشته باشد و همه افراد رفتار و سلوک خود را بر آن مبنا قرار دهند و حیات جمعی خود را نظام ببخشند. جامعه نیازمند قانون است ولی بیش از آن به اخلاق محتاج است؛ چراکه اخلاق زندگی‌ها را انسانی کرده و مبنای قانون قرار می‌گیرد. از آنجایی که زندگی اختیاری در اجتماع مقدمه‌ای برای تکامل همه افراد است و از طرفی ادامه حیات اجتماعی بدون حاکمیت اخلاق و قانون امکانپذیر نیست، مسلماً بهترین نسخه اخلاقی را کسی می‌تواند برای انسان بپیچد که خودش او را آفریده و کتاب قرآن را برای هدایت و راهنمایی او ارسال داشته است.

۲. معنای اخلاق

در معنی واژه اخلاق میان علما و دانشمندان اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. راغب اصفهانی معتقد است: «خلق» به ضم «وخلق» فتح در اصل یک معنا دارند؛ لیکن برحسب استعمال: خلق را در صورتهای و اشکال به ظاهری که با چشم دیده می‌شوند و خلق را در صفات سجایای باطنی که با دیده بصیرت درک می‌شوند، استعمال می‌کنند. بنابراین اخلاق عبارت است از صورت درونی و چهره باطنی انسان. (جزایری، ۱۳۸۲، ص ۵؛ مهدویکنی، ۱۳۷۴، ص ۱۳) «غزالی اخلاق را حالتی راسخ و موثر در روان انسان که در سایه آن بدون اندیشه و تأمل افعال و رفتار از بشر ظاهر می‌شود می‌داند. دیگران اخلاق را عبارت از ملکات و صورتهای نفسانی ثابت که از تکرار عمل حاصل می‌شود، می‌دانند. گروهی اخلاق را عبارت از مجموعه اصول حاکم بر رفتار انسانی و پاسداری از این روابط می‌دانند».

(قائمی، ۱۳۶۴، ص ۳۱)

گاهی واژه اخلاق صرفاً در مورد صفات و افعال نیک و پسندیده به کار می‌رود، مثلاً ایشارگری را صفتی اخلاقی و عمل دزدی را غیر اخلاقی می‌نامند». (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۶)

فخر را یُخلق را عبارت از ملکه‌ای می‌داند که به واسطه آن، افعال از نفس به آسانی و بدون به کار بردن اندیشه صادر می‌شود. (رازی، بی تا، ص ۲۰۱) عبدالرزاق لاهیجی نیز می‌نویسد: «خلق ملکه‌ای است نفسانی که مقتضی سهولت صدور افعال از نفس بدون نیاز به فکر و تأمل می‌باشد». (لاهیجی، ۱۳۷۷، ص ۴۸۵) «در غیث‌اللغات معادل خلق، خوی آمده است

در لغت عرب به معنای عادت، طبیعت، سجیت، دین و مروّت آمده است». (حلبی، ۱۳۸۲،

گیرد اشاره فرموده است.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به مفاهیم و معانی مندرج در صحیفه سجادیه می‌توان ادعا کرد که کتاب صحیفه سجادیه تنها یک کتاب دعا نیست که انسان در خلوت و تنهایی بدان تمسک جوید، بلکه منبعی مالا مال از معارف الهی است که می‌تواند افق‌های مختلفی را بر روی خواننده آن بگشاید. یکی از این افق‌ها این است که به ما نشان می‌دهد در ارتباط با مردم چه اخلاقی بایسته است؟

در این مقاله ده اصل از اصول اخلاق اجتماعی مندرج در صحیفه سجادیه ذکر شده که تنها قطره‌ای از این دریای بیکران است.

خلاصه اینکه انسان مومن با تمسک به آموزه‌های دینی از جمله ادعیه ائمه اطهار (ع) می‌تواند پله‌های ترقی در کسب فضائل اخلاق اجتماعی را طی کند و در زندگی روزمره خود آنها را به کار بندد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۷۹، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم، چاپ اول.
۲. علی بن حسین، ۱۳۷۵، صحیفه سجادیه، شرح و ترجمه: سید علی نقی فیض الاسلام، بی‌جا، بی‌نا.
- ۳.برزگر، ابراهیم، «رابطه عرفان و سیاست در صحیفه سجادیه»، در: فصلنامه / اندیشه دینی، ش ۱۲، ص ۴۱.
۴. جزایری، سید محمد علی، ۱۳۸۲، دروس / اخلاق / اسلامی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- حسینی شیرازی، سید علی خان، ۱۴۱۱، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید / الساجدین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

۶. حق‌شناس، حمید رضا، ۱۳۸۶، «رویکرد صحیفه سجادیه به اخلاق اجتماعی»،

پایاننامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، دانشکده الهیات.

۷. حلبی، علی‌اصغر، ۱۳۸۲، تاریخ تمدن در اسلام، تهران، اساطیر.

۸. داودیراد، سعیده، ۱۳۷۵، «تربیت اخلاقی در صحیفه کامله سجادیه»، پایاننامه

کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم

انسانی.

۹. رازی، فخرالدین، بی‌تا، جامع‌العلوم، بی‌جا، بی‌نا.

۱۰. رکنی یزدی، فاطمه، ۱۳۸۳، «رهتوشه‌ای از دعای مکارمالا خلاق»، در: مشکوه، ش ۸۴ و ۸۵،

ص ۸۴.

۱۱. سادات، محمدعلی، ۱۳۸۴، /خلاق/اسلامی، تهران، سمت.

۱۲. شرفالدین الموسوی، معصومه، ۱۳۸۶، «اصول تربیتی و اخلاقی در صحیفه کامله سجادیه»، پایاننامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

۱۳. شیروانی، علی، ۱۳۸۴، /خلاق/اسلامی و مبانی نظری آن، قم، دارالفکر، چاپ چهارم.

۱۴. صالح غفاری، محمدعلی، ۱۳۷۲، مدینه فاضله، بی جا، برهان.

۱۵. فرزانه، عبدالحمید، ۱۳۸۴، «انسان در صحیفه سجادیه»، در: فصلنامه اندیشه دینی، ش ۱۵،

ص ۷۳.

۱۶. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۷۰، شرح و تفسیر دعای مکارم/الاخلاق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۷. قائمی، علی، ۱۳۶۴، /خلاق و معاشرت در اسلام، تهران، انتشارات امیری.

۱۸. کریب، راجر، ۱۳۷۸، «اخلاق و فرا اخلاق»، بهروز جندقی، در: نقد و نظر، ش ۱۹ و ۲۱،

ص ۳۹۸.

۱۹. کوئن، بروس، ۱۳۸۳، مبانی جامعه شناسی، غلامعلی توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت.

۲۰. کیخا، نجمه، ۱۳۸۶، مناسبات اخلاق و سیاست در اندیشه اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۱. لاهیجی، عبدالرزاق، ۱۳۷۷، گوهر مراد، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

۲۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ج ۶۷.

۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۷، /خلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره)، چاپ پنجم.

۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۶، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش: احمدحسین

شریفی، [بی جا]، چاپ و نشر بین الملل.

۲۵. مصباح، مجتبی، ۱۳۸۱، فلسفه /خلاق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

(ره)، چاپ دهم.

۲۶. ممدوحی کرمانشاهی، حسن، ۱۳۸۱، شهود و شناخت، قم، مؤسسه فرهنگی سماء.

۲۷. مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۷۴، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ

اسلامی.

!

۲۸. ویلیامز، برنارد، بی‌تا، *فلسفه/خلاق*، ترجمه و تعلیقات: زهرا جلالی، قم، انتشارات

اسلامیه. ۲۹. هاشمی، سید حسن، ۱۳۸۸، *خلاق در نهج/البلاغه*، قم، بوستان کتاب.